

به نام خدا

اخلاق عصب شناختی

محمود عباسی

رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی

و رئیس اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

درآمد

اخلاق عصب شناختی و حقوق عصب شناختی عناوینی نوظهور در ساحت پژوهش های میان رشته ای در حوزه های اخلاق، فلسفه، مغز و اعصاب (عصب شناختی) و حقوق است. تقدم اخلاق بر حقوق و پیوندهایی که این دو حوزه با یکدیگر دارند در فضای بین رشته ای علوم عصب شناختی پدیدار می شود. در این میان به نظر می رسد اخلاق عصب شناختی در سه ساحت قابل ترسیم باشد، نخست محدودیت ها و چالش های مرتبط با آزمایش ها و روش های مبتنی بر علوم عصب شناختی؛ دوم، تأثیر پیشرفت های علوم عصب شناختی بر گزاره های اخلاقی و سوم، آثار و تبعات اخلاقی و اجتماعی تحقیقات و یافته های علوم مغز و اعصاب. در این مجال به طرح موضوع و بحث پیرامون برخی از زوایای اخلاق عصب شناختی اهتمام خواهیم داشت.

عصب شناسی و چالش های اخلاقی

چالش های اخلاقی در دو منظر از پنجره علم عصب شناسی نمودار می شود. در یک منظر، چالش های اخلاقی کاربرست آزمایش ها و روش های علوم اعصاب مطمح نظر قرار می گیرد؛ و در منظر دیگر، آثار و پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و حقوقی یافته های علم عصب شناختی محل بحث و امعان نظر خواهد بود. در قسمت اخیر گزاره های اخلاقی تحت تأثیر یافته های علوم شناختی قرار می گیرد.

رهیافت عصب شناختی در گزاره های اخلاقی و حقوقی

یافته های علم عصب شناسی، قضاوت اخلاقی را پیرامون مسائلی نظیر اراده آزاد انسان و جوانب مرتبط با آن از جمله نحوه تقابل با مجرمان را به چالش می کشد و گاهی دستخوش تحول می نماید؛ همین امر لزوم اتخاذ رویکرد افتراقی حقوقی در این حیطه را رونما می کند. به هر تقدیر، اخلاق به عنوان مبنای مهم و تأثیرگذاری در خلق قواعد حقوقی شناخته می شود و هنگامی که گزاره های اخلاقی تحت تأثیر یافته های علمی تغییر می یابد می توان شاهد تغییر لنزها در سیاست های قانونی و قضاوت های حقوقی نیز بود.

مصادیق دغدغه های اخلاقی در پژوهش های عصب شناختی

پاره ای از نگرانی ها و چالش های اخلاقی با پیشرفت علوم اعصاب پدیدار شده است که در ادامه به اختصار مورد توجه قرار خواهند گرفت.

واسط مغز و رایانه: «واسط مغز و رایانه BMI از ارتباط مستقیم مغز با دستگاه خارج از بدن حکایت دارد که بواسطه الکترودی در مغز یا اتصال مستقیم امواج مغزی به دستگاه صورت می پذیرد. بدینوسیله برای مثال افرادی که دست ندارند، می توانند با فرمان مغزی به دست مصنوعی پیام ارسال کنند و آن را به شیوه ی مؤثری به حرکت درآورند. هم اکنون افرادی که بخشی از دستگاه شنوایی آنان آسیب دیده می توانند بوسیله یک واسط بشنوند. همچنین تلاشی وجود دارد که با استفاده از این فناوری به ارتقاء توانمندی های طبیعی افراد در بینایی، شنوایی، حافظه، حرکت و حتی رفتار دست یافته شود.

مصادیق دغدغه های اخلاقی در پژوهش های عصب شناختی

چالش اخلاقی در این زمینه اینجاست که استفاده از این واسط ها برای مقاصد غیردرمانی، دربردارنده مخاطراتی است. چه اینکه منافع و مضرات احتمالی چنین شیوه های نوینی از ارتباط انسان و رایانه هنوز ناشناخته است. علاوه بر این، استفاده از دستگاه های واسط عملا سپردن بخشی از اراده انسانی به سیستم رایانه ای است. لذا اگر زمانی این واسط ها کنترل حافظه، توجه، انتخاب و حتی هشیاری انسان را بدست بگیرند، یا فردی بتواند از طریق آنها قوای ذهنی اشخاص را تسخیر کند، انسان عملا به رباتی تبدیل می گردد که هویت انسانی و اراده آزاد او به چالش کشیده شده است.

مصادیق دغدغه های اخلاقی در پژوهش های عصب شناختی

تغییر نگرش نسبت به اراده آزاد بشری و جبر گرایی: در سایه پیشرفت روزافزون تکنولوژی هایی نظیر BMI، و شناخت و درک افزونتر شبکه های عصبی و مغز و نقش آن در تحقق رفتار آدمی، ممکن است گرایش به نبود اراده ی بشری تقویت شود. چنین گرایشی ضمن عدم پذیرش مسئولیت فردی و اجتماعی، می تواند تبعات فردی، اخلاقی، اجتماعی و حقوقی عدیده ای را به دنبال داشته باشد.

دغدغه های اخلاقی در پژوهش های عصب شناختی

حریم خصوصی افراد: همگام با رشد دانش علوم اعصاب، تلاش برای کنترل ذهن، روز به روز بیشتر شده است. برای مثال، در دهه ی ۵۰ تا ۷۰ میلادی در آمریکا دارویی بر روی شهروندان آزمایش می شد که مشخصا برای کنترل ذهن بود و کمک می کرد تا ایده هایی در ذهن افراد شکل بگیرد و اطلاعاتی از آنها بیرون کشیده شود. این پروژه با فشار افکار عمومی منحل شد؛ اما ایده ی کنترل اذهان همچنان باقی است. ابزارهایی مانند دستگاه دروغ سنج، دستگاهی که افکار تروریستی افراد را معین می کند (Brain Fingerprinting)، سنجش افکار نژادپرستانه و گرایش های جنسی بوسیله تصویربرداری مغزی و ... به خودی خود نوعی تعدی به حریم خصوصی محسوب شده و استفاده از آنها علیه اشخاص غیراخلاقی و غیرانسانی دانسته شده است.

دغدغه های اخلاقی در پژوهش های عصب شناختی

بازاریابی و تحقق اهداف تجاری از طریق علوم شناختی: کنترل آگاهانه تفکر و تصمیم گیری، می تواند از ضروریات خودمختاری فرد به عنوان اصلی اخلاقی محسوب گردد و اگر پدیده ای قدرت آن را بدست بگیرد، به محدوده آزادی فردی او تعرض نموده است. علوم شناختی اطلاعاتی را در اختیار بازار قرار می دهد که به آنها قدرت پیش بینی رفتار مشتریان را می دهد و خودمختاری آنان را تحت الشعاع قرار دهد. این چالش هنگامی بیشتر مورد توجه قرار می گیرد که با استفاده از آن، محصولات مضر برای انسان تبلیغ شود و یا ذهن کودکان مورد هدف قرار گیرد. در حال حاضر کد اخلاق تجارت برای بازاریابی شناختی مورد استفاده قرار می گیرد.

دغدغه های اخلاقی در پژوهش های عصب شناختی

دستگاه دروغ سنج: دستگاه دروغ سنج از ابزارهایی است که در سایه به پیشرفت در علوم اعصاب ایجاد گردیده است و بهره گیری از آن در جهان در حال گسترش است. در آمریکا به طور خاص این گسترش به دادگاه ها هم کشیده شده است. اساس کار این دستگاه بر سنجش میزان فعالیت قسمت هایی در مغز است که در زمان فریب دادن افزایش می یابد. این بخش ها بیشتر در قسمت لوب فرونتال قرار دارد که درگیر تفکر منطقی است. بنابراین می توان انتظار داشت که سایر فعالیت های شناختی نیز این بخش ها را در مغز فعال کند. همچنین تلاش ذهنی برای به یاد آوردن خاطره، توجه و احساسات نیز می تواند سطح فعالیت این بخش را افزایش دهد. مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده و صحت تشخیص این ابزار را زیر سوال برده است. از آنجا که حتی یک خطا می تواند تبعات حقوقی و اجتماعی داشته باشد، استفاده از این دستگاه از نظر اخلاقی محل چالش قرار دارد.

برآمد

اخلاق عصب شناختی حوزه ای میان رشته ای است که با تمرکز بر تحقیقات و پشرفت ها و یافته های علوم عصب شناختی، چالش ها و معضلات اخلاقی را در این زمینه به بوته بحث و نقد می کشد. ابعاد اخلاقی در حوزه عصب شناختی و علوم اعصاب از یک سو متوجه تبیین چالش ها، محدودیت ها و قیود مرتبط با آزمایش ها و روش های مبتنی بر علوم عصبی در حوزه های مختلف اجتماعی، سیاسی، تجاری و قضایی است؛ و از سوی دیگر تأثیر پیشرفت های علوم عصب شناختی و یافته های آن بر قضاوت ها و گزاره های اخلاقی را مورد توجه قرار می دهد و در این میان آثار و تبعات اجتماعی، اخلاقی و حقوقی این پژوهش ها را مد نظر قرار می دهد. امروزه نیاز به بسط پژوهش های اخلاقی و همچنین تدوین استانداردها و کدهای اخلاقی در رابطه با کاربرد ابزارهای مبتنی بر علوم عصب شناختی و مدیریت آثار و پیامدهای پیشرفت های این حوزه مبرهن و ضروری به نظر می آید.

از توجه شما سپاسگزارم.

